



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 19, No. 1, (Serial. 37), Autumn 2025 & Winter 2026

10.30497/qhs.2025.248408.4152

Research Paper

Analysis of the Arguments for the Challenge (*Tahaddī*) in the Independent Passages of the Holy Qur'an

Ahad Davari Chelaghahi *

Received: 31/05/2025

Accepted: 16/09/2025

Abstract

The Holy Qur'an has challenged its opponents to a contest (*mu'āraḍa*) to prove its authenticity. The quantity of the Qur'an's challenge (*tahaddī*) varies across different verses, sometimes extending to the entire Qur'an, ten sūras, or a single sūra. Prominent scholars commonly hold that the minimum unit of challenge is one conventional sūra (bounded by two instances of the basmala). However, some researchers contend that a collection of coherent verses (even less than a sūra) can constitute an instance of *tahaddī*. The present study seeks to elucidate the minimum extent of the Qur'an's challenge. This is accomplished by examining the evidence and proofs for both viewpoints through a critical analysis of the challenge verses (*āyāt al-tahaddī*), a review of the opinions of early and contemporary exegetes, a study of historical evidence, an analysis of key terms using literary and lexicographical sources, and a critical evaluation of the arguments from both sides. The research findings indicate that, despite the evidence supporting the majority view—such as the use of the word "sūra" in Q 10:38 and Q 2:23, the counter-challenges (*mu'āraḍāt*) presented by opponents, and the claim of a scholarly consensus (*ijmā'*) throughout history—the evidence for the minority theory is more robust. According to this group, the meanings of the words "*ḥadīth*," "*Qur'an*," and "*sūra*" in the challenge verses and their usage in the Qur'an, certain aspects of inimitability (*i'jāz*) such as prophecies of the unseen (*i'jāz ḡhaybī*), the gradual revelation of some sūras, the Qur'an's challenge to provide guidance, and the absence of contradiction in the Qur'an's content all demonstrate that the Qur'an has challenged others to produce a number of consecutive verses with a coherent theme, without the condition of reaching the length of a conventional sūra.

Keywords: *Quantity of Tahaddī, Challenge Verses, Inimitability of Eloquence, Inimitability of the Qur'an.*

© The Author(s) 2025.

* Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Maragheh Faculty of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Maragheh, Iran. (Davari@quran.ac.ir)



OPEN ACCESS



دانشگاه امام صادق



<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۹، شماره ۱، پیاپی ۳۷

پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص ۲۴۳-۲۲۱

doi 10.30497/qhs.2025.248408.4152

مقاله پژوهشی

واکاوی ادله تحدی به فرازهای مستقل قرآن کریم

احد داوری چلقائی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۵ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

قرآن کریم برای اثبات حقانیت خود، مخالفان را به مبارزه دعوت کرده است. کمیت مبارزه طلبی (تحدی) قرآن در آیات متفاوت بوده و گاه به کل قرآن، گاه به ده سوره و گاه به یک سوره واقع شده است. مشهور علما کمینه تحدی را یک سوره اصطلاحی (بین دو بسمله) می‌دانند؛ در حالی که برخی محققان معتقدند مجموعه‌ای از آیات منسجم (حتی کمتر از یک سوره) می‌تواند مصداق تحدی باشد. پژوهش حاضر در پی تبیین حداقل میزان مبارزه طلبی قرآن است که با بررسی ادله و شواهد هر دو دیدگاه و تحلیل انتقادی آنها، از طریق تبیین آیات تحدی، بررسی آرای مفسران متقدم و معاصر، مطالعه شواهد تاریخی، تحلیل واژگان کلیدی با استفاده از منابع ادبی و لغوی و نقد دلالتی و ارزیابی ادله طرفین انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد به رغم برخی مستندات نظر مشهور مانند استناد به واژه «سوره» در آیات ۳۸ سوره یونس و ۲۳ سوره بقره، معارضات ذکر شده از سوی معارضان و ادعای اجماع بیشتر علما در طول تاریخ، شواهد نظریه اقلیت اتقان بیشتری دارد. به نظر این گروه، معنای واژه «حدیث»، «قرآن» و «سوره» در آیات تحدی و کاربرد آنها در قرآن، برخی وجوه اعجاز مانند اعجاز غیبی، نزول تدریجی برخی سوره، تحدی قرآن به هدایتگری و عدم اختلاف در محتوای قرآن نشان می‌دهد قرآن به تعدادی از آیات متوالی دارای یک موضوع منسجم، بدون شرط رسیدن به حدّ یک سوره اصطلاحی تحدی کرده است.

واژگان کلیدی: کمیت تحدی، آیات تحدی، اعجاز بیانی، اعجاز قرآن کریم.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی مراغه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مراغه، ایران. (Davari@quran.ac.ir)

طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معجزات پیامبران، تحدی یا هم‌واردطلبی است که در تعریف اعجاز نیز انعکاس یافته است. بیشتر محققان اعجاز را کار خارق‌العاده‌ای می‌دانند که پیامبران برای اثبات حقانیت ادعای نبوت از سوی خداوند، به مردم ارائه نموده و به این کار تحدی کرده‌اند (خویی، بی‌تا، ص ۳۵ و ۳۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۳۸). قرآن کریم نیز مانند بقیه معجزات پیامبران، مخاطبان را به مبارزه طلبیده است تا حقانیت این معجزه آسمانی را اثبات کند. تحدی قرآن همه انس و جن را در سرتاسر تاریخ در بر می‌گیرد (اسراء: ۸۸) و بر اساس آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره از جهت زمانی محدود به عصر نزول یا عرب زبانان نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۷۶)؛ ولی میزان آن در آیات، متفاوت نقل شده است. قرآن در برخی آیات مانند قرآن در آیه «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (قصص: ۴۹) و آیه «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُوا بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء: ۸۸) به آوردن «کتابی» مانند قرآن تحدی کرده است. در آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود: ۱۳) به «ده سوره» و در آیه «أَمْ يَقُولُونَ نَقُولُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَاْنُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور: ۳۳ و ۳۴) به آوردن «حدیثی» مانند قرآن مبارز طلبیده شده است. تحدی در دو آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس: ۳۸) و «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۲۳) به «یک سوره» محدود شده است.

تفاوت تعبیر قرآن در میزان تحدی باعث شده است تا دیدگاه‌های گوناگونی از سوی علما در باره کمترین میزان تحدی آیات ارائه شود. بنابر ادعای سیوطی گروهی از معتزله، اعجاز قرآن را به کل این کتاب مربوط می‌دانند که برخلاف تصریح آیات قرآن در تحدی به یک سوره و ده سوره است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۵۲)؛ اما اشاعره و بیشتر معتزله، حداقل اعجاز را به یک سوره کوتاه یا بلند منحصر کرده‌اند (باقلانی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۲). در مقابل این نظریه مدعی اشتها (سلامه، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۵۲)، برخی از محققان معاصر اعجاز قرآن را شامل مجموعه‌ای از جملات دارای آغاز و انجام مشخص می‌دانند که هدف مشخصی را دنبال می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۴۴ - ۴۵؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۲۸۳). به نظر گروهی از آنها حتی اگر یک آیه مانند بسمله (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۹۷ و ۲۲۷) یا آیه‌ای با محتوای کامل ولی به اندازه یک سوره (باقلانی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۲؛ رضوانی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۰۶ - ۱۰۸)



و دارای بافتاری واحد و ادبیاتی فرابشری (جواهری، ۱۳۹۸ش (ب)، ص ۲۹۵ - ۳۰۰ و جواهری، ۱۳۹۵ش، ص ۱۳۳) می‌تواند معجزه باشد. با توجه به تفاوت دیدگاه‌های فوق، پژوهش حاضر با بررسی شواهد و ادله طرفین، در پی بررسی انتقادی کمترین میزان تحدی از نگاه آیات قرآن کریم است تا کمینه مبارزه‌طلبی قرآن روشن شود.

پیشینه تحقیق

علاوه بر این که مفسران در ضمن تفسیر آیات تحدی، به صورت گذرا به کمینه تحدی اشاره کرده‌اند، پژوهش‌های مستقل اخیر نیز به صورت محدود به قلمرو تحدی پرداخته و نظریه تحدی به کمتر از یک سوره را نپذیرفته‌اند. مؤلف مقاله «مرز تحدی» پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف در باره کمیت تحدی، به این نتیجه رسیده که تحدی در مرز سوره متوقف شده است. نویسنده همان‌طور که انحصار اعجاز به تمامی قرآن را باطل می‌داند تسری آن به تعداد آیاتی کمتر از کوتاه‌ترین سوره قرآن را نیز قابل قبول نمی‌داند (نصیری، ۱۳۷۵ش، ص ۲۳-۴۰). مؤلفان مقاله «مفهوم‌شناسی واژه سوره در آیات قرآن کریم از دیدگاه مفسران» نیز با بررسی مفهوم سوره در آیات قرآن به این نتیجه رسیده‌اند که معنای متداول سوره یعنی «مجموعه کامل آیات آغاز شده با بسم‌الله» مناسب‌ترین وجه تفسیری این واژه در قرآن است (شریفی نسب، ۱۴۰۲ش، ص ۲۳۳ - ۲۵۰)؛ لذا کمترین میزان تحدی را بیان می‌کند؛ بنابراین دو دیدگاه در زمینه کمینه تحدی وجود دارد؛ اکثریتی که قائل به تحدی به یک سوره اصطلاحی (بین دو بسمله) هستند و اقلیتی که تحدی را محدود به یک سوره اصطلاحی ندانسته و آن را به فرازهای مستقل قرآن نیز تسری داده‌اند. پژوهش حاضر برخلاف پژوهش‌های مستقل قبلی، نظریه تحدی به کمتر از یک سوره را تقویت کرده است.

۱. بررسی مفاهیم

برخی واژه‌های به کار رفته در آیات تحدی معانی گوناگون یا مصادیق مختلفی دارند یا محدوده آنها به صورت دقیق مشخص نیست، از این رو بررسی دقیق آنها برای مشخص کردن دقیق کمیت تحدی ضرورت دارد.

۱-۱. مفهوم تحدی

تحدی از ریشه «ح د و» در اصل به معنای سوق دادن (ابن فارس، بی تا، ج ۲، ص ۳۵) و راندن شتر بوده (العین ج ۳ ص ۲۷۳) و در باب تفعل به معنای مسابقه دادن و مبارز طلبیدن آمده است (ازهری، بی تا، ج ۵، ص ۱۲۱؛ ابن فارس، بی تا، ج ۲، ص ۳۵). تحدی در اصطلاح مبارزه طلبی خداوند از مخالفان پیامبران برای آوردن همانندی برای معجزه فرستاده الهی است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۲۷۳ و ۲۷۴) و بر این برهان استوار است که اگر کار خارق‌العاده فرد مدعی نبوت، از سوی خداوند نباشد کار بشری است پس بقیه انسان‌ها نیز باید بتوانند

شبيه آن را انجام دهند. اگر انسان ها نتوانستند چنین کاری را انجام دهند، معلوم می‌شود که کار بشری نیست، لذا ادعای نبوت و رسالت آورنده آن اثبات می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۸ و ۱۲۹). در مورد قرآن نیز خداوند فصیحان عرب را به مبارزه طلبیده است و سخنی از جنس کلام آنها به حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) فرستاده و سپس آنها را به مبارزه طلبیده است که مانند آن را بیاورند. ناتوانی عرب ها از آوردن مانند قرآن نشان می‌دهد که آن حضرت از سوی خداوند این کتاب را آورده و رسول الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۵۸). گفتنی است واژه تحدی در قرن سوم از سوی متکلمان ایجاد شده و از قرن چهارم به بعد به صورت وسیعی به کار رفته است (شاکر، ۱۳۹۹ش، ص ۲۳ - ۲۸).

۱-۲. مفهوم سوره

با توجه به این که مصداق «سوره» و میزان آن در آیات تحدی (آیه ۲۳ سوره بقره و آیه ۳۸ سوره یونس) متفاوت است، لذا نیاز است که به اجمال معنا، مصداق و محدوده آن از نگاه لغویان و مفسران مشخص شود تا در تعیین میزان تحدی بر اساس مسلمات پذیرفته شده طرفین بحث شود. سوره از ریشه «س و ر» در اصل به معنای بلندی و ارتفاع است (ابن فارس، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۵) از این جهت دیوار شهر را نیز سور می‌گویند (خلیل، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۷۹)، همچنین به منزلت نیز سوره گفته می‌شود (ابن درید، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۲۲) که بلندی مقام و جایگاه است. بنا بر اشتقاق و ریشه اصلی، وجه تسمیه سوره در قرآن از آن جهت است که خواننده را از جایگاهی به مرتبه‌ای بالاتر می‌برد و به آن مشرف می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۵۶) یا دارای منزلت، درجه رفیع و ارزش خاصی است (مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۹۱) یا تعدادی از آیات را همچون دیوار شهر احاطه می‌کند (صاحب بن عباد، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۶۶). البته برخی سوره را از ریشه «س و ر» به معنای باقیمانده چیزی گرفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۴) و سوره‌های قرآن، باقیمانده و قطعه‌ای جدا شده از آن هستند (مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ابو عبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۳۴). تطبیق ریشه معانی لغوی با بحث تحدی نشان می‌دهد که مبارزه‌طلبی قرآن با هر یک از ریشه‌های فوق تناسب دارد. هم بخشی از کل قرآن می‌تواند دارای منزلت و درجه خاصی باشد و هم ده سوره و هم یک سوره؛ همچنین بخشی از یک سوره نیز که مفهوم مستقلی دارد با این معانی سازگار است. وجه تسمیه‌های دیگر سوره (احاطه تعدادی از آیات، باقیمانده و قطعه جدا شده از قرآن) نیز با همین معانی سازگار هستند؛ از این رو بر اساس معانی لغوی، هر دو دیدگاه مطرح در کمینه تحدی با وجه تسمیه سوره هماهنگ هستند.



سوره در اصطلاح علوم قرآنی به هر یک از بخش‌های ۱۱۴ گانه از قرآن گفته می‌شود که در بردارنده تعداد مشخصی از آیات به دستور پیامبر (جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۲۱) با آغاز و انجام مشخص است (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹۳). حداقل تعداد آیات سوره سه آیه (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۴۹) بوده و اغلب با بسمله آغاز می‌شود (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۶۴).

۱-۳. مفهوم حدیث

یکی از ادله طرفین کمینه تحدی، استناد به کلمه حدیث در آیه «أَمْ يَقُولُونَ نَقُولُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَاذُبُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور: ۳۳ و ۳۴) است. حدیث از ریشه «ح د ث» بر وجودیافتن چیزی پس از عدم اطلاق می‌شود (ابن فارس، بی تا، ج ۲، ص ۳۶) لذا به معنای چیز جدید به کار می‌رود (خلیل، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۷۷)، مانند تعبیر «مُحَدَّثٌ» در آیه «مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٌ إِلَّا اسْتَمْعَوْهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ» (انبیاء: ۲) که به معنای جدید است و تعبیر «يُحَدِّثُ» در آیه «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق: ۱) که به معنای ایجادکردن آمده است. سخن پیامبر را نیز بدان جهت حدیث می‌گویند که نسبت به کتب آسمانی جدید است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۷۷۲).

بر اساس معنای لغوی می‌توان گفت حادثه، واقعیت‌های جدیدی است که اتفاق می‌افتد و حدیث خبردادن از آن حوادث است، این معنی، گسترش یافته و به مطلق واقعیات، اعم از قدیمی یا جدید، حدیث گفته شده است، آنگاه معنای حدیث گسترده شده و بر هر نوع سخنی اطلاق شده است حتی اگر خبر نباشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۷۷).

کاربرد این واژه در قرآن نشان می‌دهد که به‌رغم معانی گوناگونی همانند سخن (نساء: ۸۲؛ نساء: ۷۸؛ مرسلات: ۵۰) و خبر (کهف: ۷۰؛ طه: ۹) و... معنای موضوع له واژه حدیث، یعنی خبری که از حادثه و رخدادی حکایت کند محفوظ مانده و معنای ریشه اصلی از بین نرفته است (قربانخانی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۴۷). همچنین بررسی مصادیق و کاربرد های حدیث، نشان می‌دهد که مراد از حدیث سخنی است که آغاز، انجام، هدف و منطقی دارد (جواهری، ۱۳۹۸ش، ب، ص ۲۹۶).

۲. دلایل و شواهد نظریه مشهور در کمیت تحدی

بیشتر مفسران و علمای علوم قرآنی بر آن‌اند که بر اساس آیه ۳۸ سوره یونس مکی «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَلَطَّكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و آیه ۲۳ سوره بقره مدنی «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا

فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» تحدی حداقل به یک سوره واقع شده است (سلامه، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۵۲؛ وحید شعبان، ۱۴۲۷ق، ص ۵۱) و مراد از سوره در آیات فوق نیز مجموعه مطالبی است که با بسمله آغاز می‌شود (باقلائی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۲۴). از سوی دیگر مخاطبان اولیه قرآن با حروف ادبیات عرب آشنا بوده و می‌توانستند یک حرف یا یک کلمه مانند حروف مقطعه و سایر کلمات قرآن بیاورند. مدعای برتری قرآن عدم توانایی آوردن کلماتی بود که با ترکیب کلمات دیگر، تناسب آوایی و معنایی ویژه‌ای ایجاد می‌کرد که دیگران از آوردن چنین معنا و آوایی عاجز بودند. حداقل این ترکیب در یک سوره هر چند کوچک از قرآن تحقق پیدا می‌کند. مهم‌ترین شواهد و ادله این نظریه را می‌توان چنین بر شمرد:

۲-۱. ظاهر کلمه «سُورَة» در آیات تحدی

در آیات سوره یونس و بقره به کلمه «سورة» تحدی شده است و قرآن از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن به ۱۱۴ سوره مجزا با ابتدا و انتهای مشخص تفکیک شده بود (رامیار، ۱۳۷۹ش، ص ۵۷۴ - ۵۹۱). از آنجا که تحدی به یک «سورة» انجام شده است؛ لذا هر یک از سوره‌های طولانی یا کوتاه قرآن کریم می‌تواند مصداق تحدی باشد (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۵۲؛ باقلائی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۲).

نام‌گذاری بخش‌هایی از کتاب آسمانی به سوره، اصطلاح قرآنی است و در کتاب‌های آسمانی پیشین رواج نداشت (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۸۳)؛ در طول تاریخ نیز تطور معنایی برای این واژه گزارش نشده است (شریفی نسب، ۱۴۰۲ش، ص ۲۴۷). هر چند در زمان نزول آیات تحدی همه سوره‌های قرآن نازل نشده بود؛ ولی اطلاق آیات تحدی و نکره بودن کلمه سوره نیز نشان می‌دهد تحدی می‌تواند شامل هر سوره کوتاه یا بلندی بشود؛ بنابراین مراد از سوره در آیات فوق همان میزان آیاتی است که بین دو بسمله در صدر اسلام معروف بوده است. کلمه عشر سور در آیه «فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ» (هود: ۱۳) نیز نشان می‌دهد سوره‌ها برای مردم عصر نزول قابل‌درک بوده که به ده مورد از آنها تحدی شده است.

بررسی روایات اهل بیت علیهم‌السلام و اخبار و گزارشات صحابه نشان می‌دهد که کاربرد سوره در مورد بخش‌هایی از قرآن به کار رفته است که بین دو بسمله قرار دارند (شریفی نسب، ۱۴۰۲ش، ص ۲۴۶). به عنوان نمونه در عیون اخبار الرضا علیه‌السلام آمده است: «أَوَّلُ سُورَةٍ نَزَلَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ وَ آخِرُ سُورَةٍ نَزَلَتْ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۶). بررسی‌های متعدد با کمک نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز روایتی را نشان نمی‌دهد که سوره را برای بخشی از قرآن به کار برده باشد.

استدلال فوق محکم‌ترین دلیل بر کمترین میزان تحدی است که با دو چالش مواجه است:



الف: اگر سوره به معنای اصطلاحی به کار برود آیا می‌توان پذیرفت که معارضان می‌توانند کمتر از یک سوره بزرگ نیز بیاورند؟ مثلاً قادر به آوردن دویست آیه از سوره بقره هستند؟ (جواهری، ۱۳۹۸ش، ب، ص ۲۹۹). آیا در طول تاریخ مدعیان مبارزه با قرآن توانسته‌اند در این میدان پاگذارند؟ و آیا طرفداران این دیدگاه می‌پذیرند که می‌توان به اندازه بخش قابل توجهی از سوره‌های بزرگ را که موضوعات متنوعی دارند آورد؟

ب: این استدلال با کاربرد کلمه «سوره» در آیات قرآن سازگار نیست. «سوره» در قرآن برای قسمتی از یک سوره مصطلح نیز به کار رفته است؛ بنابراین اگر در زبان یا گفتمان قرآن، سوره به کمتر از معنای اصطلاحی به کار رفته باشد در آیات تحدی چه مانعی باعث می‌شود این معنا اراده نشود؟

بر اساس کاربرد کلمه سوره در قرآن، برخی محققان معتقدند این واژه علاوه بر مجموعه‌های شروع شده با بسمله، می‌تواند بر مجموعه آیاتی که هدف واحدی را دنبال می‌کنند اطلاق شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۴۴ - ۴۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ جواهری، ۱۳۹۸ش، ب، ص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۹۶ و ۹۷). آیات زیر مصادیقی هستند که نشان می‌دهد کلمه «سوره» بر تعدادی از آیات قرآن اطلاق شده است (جواهری، ۱۳۹۸ش، ب، ص ۲۹۸ و ۲۹۹):

آیه اول: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ» (توبه: ۶۴). منافقان از نزول آیاتی هراس داشتند که اسرار پنهانشان را آشکار می‌ساخت. این نگرانی در سوره توبه بازتاب یافته است که از آخرین سوره‌های نازل شده در دوران پیامبر (ص) است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۹) و به اعتقاد برخی آخرین سوره قرآن محسوب می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۷). کاربرد واژه «سوره» در این آیات به مجموعه‌ای از آیات اشاره دارد که با هدف افشای حقایق پنهان منافقان نازل شده‌اند، نه لزوماً به یک سوره کامل. شاهد این مدعا، آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹ همین سوره درباره مسجد ضرار است که به شکلی منسجم و هدفمند، ماهیت واقعی منافقان را آشکار می‌سازد. قابل توجه اینکه سوره منافقون که به طور مستقل به رفتار منافقان پرداخته، پیش از سوره توبه نازل شده است (بهجت پور، ۱۳۹۳ش، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۶) و بنابراین نمی‌تواند مراد از «سوره» در این آیات باشد.

آیه دوم: «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنْظَرُونَ إِلَيْكَ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ» (محمد(ص): ۲۰). موضوع جهاد در آیات مختلف قرآن کریم مطرح شده است، از جمله در آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظِلْمًا» (حج: ۳۹)، آیه «فَصَرْبَ الرِّقَابِ» (محمد(ص): ۴)، آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (بقره: ۱۹۱)، آیه «وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (نساء: ۹۱) و... با توجه به اینکه سوره مستقلی با عنوان

جهاد یا قتال در قرآن وجود ندارد، کاربرد واژه «سوره» در این آیات به معنای اصطلاحی (مجموعه‌ای که با بسمله آغاز می‌شود) نیست، بلکه اشاره به مجموعه‌ای از آیات پراکنده دارد که در موضوع جهاد با مشرکان نازل شده‌اند. آیه سوم: «وَإِذَا أَنْزَلْتُ سُورَةً أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذِنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ» (توبه: ۸۶). در این آیه نیز همچون آیه ۶۴ سوره توبه، معنای متبادر و مصداق کامل سوره به ذهن نمی‌آید؛ زیرا در خصوص ایمان به خدا و جهاد، آیاتی در سوره‌های مختلف نازل شده است (جواهری، ۱۳۹۸ش، ب، ص ۲۹۹).

باتوجه به کاربرد واژه «سوره» در قرآن، برخی از علمای تفسیر این اصطلاح را در مواردی به معنای بخش‌هایی از یک سوره (نه لزوماً سوره کامل) به کار برده‌اند. در این زمینه، راغب اصفهانی در تفسیر آیه «سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور: ۱) این واژه را به «مجموعه‌ای از احکام» معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۴). برخی مفسران کلمه «سُورَةُ» را در آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ» (بقره: ۲۳) به مجموعه‌ای از کلمات (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۱)، سخن (کاشفی، بی‌تا، ص ۸) یا جمله‌ای کوتاه (شیخ علوان، ۱۹۹۹ق، ج ۱، ص ۲۴) تفسیر کرده و گفته‌اند سوره در این آیه به معنای لغوی به کار رفته (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۶۲ و ۶۳) و مراد از آن مجموعه آیاتی است که معنای کاملی داشته و در یک نوبت بر پیامبر نازل شده‌اند (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۶۲ و ۶۳؛ شیخ زاده، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۸۹). برخی مفسران معنای «سُورَةُ» در آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس: ۳۸) را نیز بخش مستقلی از قرآن می‌دانند بدون آن که با بسمله بین آنها فاصله بیفتد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۹۶ و ۹۷) یا مجموعه آیاتی می‌دانند که هدف واحدی را دنبال می‌کنند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ۲۱۳).

۲-۲. معارضات ذکر شده در عصر نزول

فهم مردم عصر نزول از تعبیر قرآن جایگاه ویژه‌ای در تعیین معنای واژگان دارد و بررسی پاسخ‌های مشرکان و مخالفان قرآن به هم‌آوردطلبی قرآن نشان می‌دهد که معارضات ذکر شده در عصر نزول شبیه سوره کامل هستند. معارضات ذکر شده از مسیلمه کذاب از جمله سوره قورباغه، گوسفند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۸۴) و سوره فیل (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۲۳) از نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند فهم مردم عصر نزول از سوره، همان سوره اصطلاحی بین دو بسمله بوده است.

این استدلال با همه شواهد نقل شده از معارضات در صدر اسلام سازگار نیست؛ زیرا برخی از معارضات به صورت سوره کامل نیستند. مسیلمه در پاسخ به سجاح جملات زیر را آورده است: ان الله خلق النساء افراجا...



(باقلانی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰۵). این عبارت شبیه بخش‌هایی از قرآن هست و سوره کامل محسوب نمی‌شوند. همچنین معارضات منتسب به سجاح مانند اعدوا للركاب... (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۷۰) نیز به صورت بخشی از یک سوره هستند و نمی‌توان آنها را در مقایسه و مسابقه با یک سوره کامل دانست؛ بلکه صرفاً تعبیری هستند که گوینده ادعا کرده است از طرف خدا نازل شده است. گفتنی است همه عبارات نقل شده، دارای محتوای کاملی هستند هر چند سوره اصطلاحی محسوب نشوند.

شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد در سده‌های آغازین اسلام و بعد از آن عده‌ای تلاش کردند تا مانند بخشی از یک سوره را بیاورند؛ ولی از آن ناتوان ماندند. این نکته نشان می‌دهد که حتی نمی‌توان بخشی از یک سوره را آورد و کمترین میزان تحدی به کمتر از یک سوره تسری می‌یابد. نقل شده است ابن ابی العوجاء و سه نفر دیگر از دهریون (ابوشاکر دیصانی، عبدالملک بصری و ابن مقفع) تصمیم گرفتند که هر کدام یک چهارم قرآن را تا سال بعد بیاورند. بعد از گذشت مدت معهود در مقام ابراهیم جمع شدند یکی از آنها از آوردن سخنی در مقابل آیه «يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَّمَاءُ اقْلَعِي...» (هود: ۴۴) و دیگری از آوردن ماندی برای آیه «فَلَمَّا اسْتِأْذِنُوا مِنْهُ خُلِصُوا نَجْيًا...» (یوسف: ۸۰) اظهار یأس نمود (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۱۰). سومی در باره آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاذْكُمُو لَهُ...» (حج: ۷۳) و چهارمی در باره آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا...» (انبیاء: ۲۲) اظهار عجز نمود (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۷۷).

مقایسه تعبیر آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۹) با عبارت «القتل انفی للقتل» از این سنخ است که نشان از برتری حداقل بیست‌گانه سخن الهی با سخن بشر دارد (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۹-۸۱) این ناتوانی در مقابل آیات «أَنْ أَقْلِفِيهِ فِي التَّائِبِينَ...» (طه: ۳۹) و آیه «اقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» (قمر: ۱) نیز نقل شده است (فانی اصفهانی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۱).

برخی از اندیشمندان قدیم و جدید، «اعجاز تأثیری» را به عنوان یکی از ابعاد اعجاز قرآن برشمرده‌اند (جواهری، ۱۳۹۸الف، ج ۲، ص ۶۱-۱۱۸). این جنبه از اعجاز همانند دیگر وجوه اعجاز قرآن قابل تحدی بوده و هیچ متن دیگری نمی‌تواند به پای تأثیرگذاری قرآن برسد. شواهد تاریخی متعددی حاکی از آن است که تأثیر شگرف قرآن محدود به سوره‌های کامل نبوده، بلکه بخش‌هایی از آیات نیز این ویژگی اعجاز‌آمیز را داشته‌اند (جواهری، ۱۳۹۸الف، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۷۲). نمونه بارز این تأثیر را می‌توان در روایت تاریخی تلاوت بخش‌هایی از سوره مریم توسط جعفر بن ابی‌طالب در حضور نجاشی مشاهده کرد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۶) که چگونه آیاتی با

محتوای منسجم و کامل (بدون نیاز به کل سوره) توانست مشرکان را به عجز وادارد و حقانیت اسلام را به اثبات برساند.

پرسش‌های مشرکان از پیامبر (ص) درباره داستان اصحاب کهف، ذوالقرنین و روح که با تحریک یهودیان مطرح می‌شد (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۰۰) گواه دیگری بر این واقعیت است که در صدر اسلام، حتی بخش‌هایی از سوره‌های قرآن که محتوایی مستقل داشتند (و نه صرفاً به دلیل بلاغت و فصاحت)، می‌توانستند مخالفان را به عجز وادارند.

۲-۳. اجماع بیشتر علما و مفسران

برخی ادعا کرده‌اند بیشتر مفسران در طول تاریخ، مراد از سوره را «سوره کامل» دانسته‌اند (سلامه، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مسلم، ۱۴۲۶ق، ص ۴۰). این نگاه در نگاه مفسران سده‌های آغازین مانند طبری (۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۷) و شیخ طوسی (بی‌تا، ج ۵، ص ۴۵۷) تا مفسران معاصر مانند ابن عاشور (۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۸۳) دیده می‌شود (شریفی نسب، ۱۴۰۲ش، ص ۲۴۵).

در کنار این دیدگاه مشهور برخی از علما به‌ویژه معاصران، تحدی کمتر از یک سوره را نیز پذیرفته‌اند که در بررسی معنای سوره به تعدادی اشاره شد و ادله برخی دیگر در بحث شواهد تسری تحدی به کمتر از یک سوره خواهد آمد.

۲-۴. دلیل عقلی

اقتضای تحدی آن است که طرفین مبارزه، از موضوع معارضه و میزان آن آگاهی کافی داشته باشند؛ لذا کمترین میزان مبارزه‌طلبی در آیات مورد استناد، باید به‌روشنی مشخص باشد. تحدی به یک سوره اصطلاحی اندازه مشخصی است که طرفین به‌سادگی می‌توانند آن را بسنجند. اما اگر میزان مبارزه به کمتر از یک سوره باشد تعیین اندازه آن مشکل خواهد بود. اگر معنای سوره به طور دقیق مشخص نبود زمینه بهانه‌جویی مشرکان فراهم می‌شد (شریفی نسب، ۱۴۰۲ش، ص ۲۴۲ - ۲۴۴). همچنین در ذیل آیه ۲۳ سوره بقره نیز، از دعوت شاهدان نیز برای سنجش طرفین معارضه سخن به میان آمده و گفته است: «وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ». برای قضاوت طرفین مدعا باید روشن باشد که شاهد چه چیزی را قضاوت خواهد کرد و بر چه چیزی شاهد بوده و گواهی خواهد داد.

از این دلیل کمترین میزان تحدی قابل‌برداشت نیست و همه تحدی‌های قرآن به ده سوره و کل قرآن را شامل می‌شود. از این دلیل فقط معلوم می‌شود که تحدی باید معیار مشخصی داشته باشد، این معیار می‌تواند یک سوره، ده سوره یا کل قرآن و... باشد. وظیفه گواهان نیز در مرحله اول اثبات برابری دو طرف مبارزه با هر کمیتی است.



مثلاً اگر طرفین با ده سوره مبارزه می‌کنند شاهدان قبل از اثبات برتری یکی از طرفین، اصل ده سوره بودن را شهادت می‌دهند.

۳. دلایل و شواهد تسری تحدی به کمتر از یک سوره

برخی از علما و محققان با توجه به برخی تعبیر و کاربرد واژه‌ها در قرآن معتقد هستند که قرآن به کمتر از یک سوره نیز تحدی کرده است. باقلانی از علمای قرن چهارم از قول ابوالحسن اشعری نقل کرده است که بر کمتر از یک سوره نیز می‌تواند اعجاز تحقق یابد به شرط آن که حجم آن به اندازه یک سوره باشد: (باقلانی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۲). در میان معاصران آیت‌الله مصباح یزدی (مصباح یزدی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۶۸ و ۱۶۹)، مؤلف تفسیر من هدی القرآن (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۲) در این دسته جای می‌گیرند. از برخی تعبیر علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۶۶) و مؤلفان تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۴۴ و ۴۵) نیز اشاره به این قول برداشت می‌شود. حتی برخی از مفسران آیات دارای معنای مستقل مانند آیه بسمله را نیز شامل تحدی می‌دانند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۹۷). دلایل و شواهد این دیدگاه عبارت‌اند از:

۳-۱. معنای حدیث در آیه ۳۳ سوره طور

در سوره طور، میزان تحدی قرآن با کلمه «حدیث» بیان شده است که معنای آن می‌تواند محدوده تحدی را بهتر روشن کند: «أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَاثُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور: ۳۳ و ۳۴)؛ یا می‌گویند آن را بریافته (نه)؛ بلکه باور ندارند، پس اگر راست می‌گویند سخنی مثل آن بیاورند.

برخی از مفسران این آیه را از بقیه آیات تحدی عام‌تر دانسته (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۶۹) و حدیث را در اینجا به کل قرآن یا مثل آن تفسیر کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۴۷، سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۵۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۲۰؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۱۲۸؛ ابن ابی زینین، ۱۴۲۴ق، ص ۳۵۹؛ دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۵۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۱۴، ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۳۱، طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۲۵۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۴۰۶ و ۴۰۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۲۰)، لذا به صراحت از تحدی به کل قرآن سخن گفته‌اند (شنقیطی، ۱۴۲۷ق، ج ۷، ص ۴۵۷). تعدادی نیز مراد از حدیث را بخشی از قرآن می‌دانند که تا آن موقع نازل شده بود (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۷، ص ۳۰۴).

برداشت عمومیت تحدی در آیه فوق به کل قرآن یا بخش‌های نازل شده، بدون کلمه حدیث نیز حاصل می‌شود و کلمه حدیث بر معنایی بیشتر دلالت می‌کند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ لذا گروهی از مراد از حدیث را بخشی از قرآن دانسته و مبارزه‌طلبی این آیه را به کمتر از یک سوره معنا کرده‌اند (مبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۰۵؛

ابن عرفه، ۲۰۰۸م، ج ۴، ص ۸۶؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۵۲. یکی از دلایل انتخاب این معنا، نکره بودن کلمه حدیث است که می‌تواند بیانگر تبعیض باشد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۲۲).

ناگفته نماند از نگاه برخی مفسران، این آیه به بخش‌هایی از قرآن مبارزه‌طلبی می‌کند که مربوط به اخبار پیشینیان است؛ زیرا حدیث خبر دادن از حوادث است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۷۷). در قرآن نیز شواهدی از کاربرد حدیث به معنای اخبار پیشینیان وجود دارد: «فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ» (سبأ: ۱۹). همچنین در روایات تفسیری از امام صادق علیه‌السلام کلمه حدیث در آیه «أَقِمْنَ هَذَا الْحَدِيثَ تَعْبُجُونَ» (نجم: ۵۹) به اخبار پیشینیان تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۲۷۷).

بر اساس دو دیدگاه اخیر، بخش‌هایی از یک سوره نیز می‌تواند شامل تحدی باشد. به‌ویژه اگر کاربرد کلمه حدیث در صدر اسلام و قرآن مدنظر قرار گیرد. در صدر اسلام حدیث را سخنی می‌دانستند که آغاز، انجام، هدف و منطق دارد (جواهری، ۱۳۹۸ش، ب، ص ۲۹۶). در آیه «وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا» (تحریم: ۳) و آیه «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ» (غاشیه: ۱) حدیث به سخنی اطلاق شده است که معنای کاملی دارد. بنابراین می‌توان حدیث را در آیه ۳۴ سوره طور «سخنی مانند قرآن» دانست که معنای کاملی دارد خواه بیشتر از یک سوره و خواه کمتر از آن باشد.

۳-۲. باز بینی در معنای قرآن در آیه ۸۸ سوره اسراء

به نظر برخی مفسران معنای قرآن در آیه «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء: ۸۸) قرائت و تلاوت است که بر کل و بخشی از قرآن صدق می‌کند؛ بنابراین تفاوت چندانی بین تحدی به یک سوره یا ده سوره از نظر مفهوم وجود ندارد و در واقع تحدی به مجموعه آیاتی شده است که هدف مهمی را تعقیب می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۹، ص ۴۴؛ ج ۱۲، صص ۴۳-۴۵). از آنجا که این آیه، از اولین آیاتی است که در مورد تحدی نازل شده است؛ لذا نمی‌توان از آن تحدی بر کل قرآن را برداشت کرد. به‌ویژه که در آن زمان بخش مهمی از آیات هنوز نازل نشده بود و نمی‌توان انتظار داشت که خداوند از مخالفان بخواهد مطالبی بیاورند که از محتوای آنها اطلاعی ندارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۸). از این رو قرآن می‌تواند بخش کاملی از یک محتوای قرآن باشد که گاهی در یک سوره کوچک مانند کوثر و حمد و گاهی در یک آیه تام مصداق پیدا می‌کند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۳۳۸).



شاهد تأیید این دیدگاه، اطلاق «قرآن» بر بخشی از آیات از جمله در تعبیر زیر است: «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمّل: ۲۰)، «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (نحل: ۹۸)، «وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» (اسراء: ۴۵) و «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف: ۲۰۴).

۳-۳. اعجاز غیبی و تاریخی قرآن

تعدادی از مفسران، اعجاز غیبی را از وجوه اعجاز دانسته‌اند (هیتو، ۱۴۲۱ق، ص ۹۸ - ۱۴۰)، قرآن نیز می‌فرماید: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمُكَ» (هود: ۴۹). اعجازهای غیبی قرآن در حوزه اخبار از گذشته، حال و آینده (مسلم، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۹ - ۲۸۸) در بخش‌هایی از یک سوره قرار دارد و به گونه‌ای نیست که یک سوره کامل به اعجاز غیبی اختصاص یابد. از این رو تحدی قرآن در مبارزه طلبی به اخبار غیبی - که در بخش‌هایی از یک سوره جریان دارد - قابل تفوق نیست.

گفتنی است میرزای نوری در یک نسخه خطی به زبان فارسی تصریح می‌کند اعجاز قرآن علاوه بر فصاحت و بلاغت، گاهی به کمتر از یک سوره در مواردی مانند اخبار از غیب، شفاعت قرآن از امراض و دردها، خواص برخی آیات و تازگی آیات قرآن و علوم و معارف غیرمتناهی نیز محقق شده است (نوری، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵ و ۱۶۶).

۴-۳. تحدی قرآن به عدم اختلاف

یکی از وجوه صریح اعجاز، عدم اختلاف در قرآن است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲). تحدی به عدم اختلاف مربوط به محتوای قرآن بوده و اغلب در جزئیات واقع می‌شود و به گونه‌ای نیست که بیانگر اختلاف کلی و کلان بین سوره‌ها باشد. ذکر معارف و داستان‌های مختلف در مورد توحید، نبوت، اداره جوامع، داستان پیامبران و... به‌رغم تکرار در سوره‌های مختلف با هم هماهنگ هستند (خوبی، بی‌تا، ص ۵۷ - ۵۹) ولی هیچ کدام از آنها سوره مجزایی را تشکیل نمی‌دهند، بلکه در بخشی از سوره‌ها آمده‌اند. نمونه‌های ادعا شده در اختلاف (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶ - ۱۰) نیز نشان می‌دهد اختلاف‌ها در مطالبی است که درون یک سوره آمده است که با مطالب بخشی از یک سوره دیگر مخالف است؛ بنابراین تحدی به عدم اختلاف در محدوده کمتر از یک سوره واقع می‌شود.

۵-۳. نزول تدریجی برخی سوره

بر اساس شواهد تاریخی، تعدادی از سوره‌های بزرگ قرآن به تدریج نازل شده‌اند. لازمه تحدی قرآن آن است که معارضان در صورت توانایی، می‌توانستند به همان آیات نازل شده در آن سوره پاسخ بدهند، بدین ترتیب هر چند سوره کامل نشده بود؛ ولی تحدی به همان مقدار نازل شده نیز تسری داشت. مثلاً هنگامی که بخشی از سوره بقره

نازل شده بود معارضان می‌توانستند به همان اندازه نازل شده، در مقام پاسخ برآیند. روایات متعددی نقل شده که آیه ۲۸۱ سوره بقره آخرین آیه نازل شده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱۴ و ۱۱۵) که در حجه‌الوداع نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۱۱)، از آنجایی که سوره بقره از نخستین سوره‌های نازل شده در مدینه است (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۱) تا نزول آیه آخر در حجه‌الوداع، فرصت زیادی بود تا برای کمتر از یک سوره کامل اصطلاحی، همانندی آورده شود؛ بنابراین نزول تدریجی قرآن به معارضان فرصت می‌داد تا به تحدی قرآن به اندازه همان بخش نازل شده از سوره (که کمتر از سوره اصطلاحی بود) پاسخ دهند.

۳-۶. تحدی به هدایتگری قرآن

اطلاق آیات تحدی نشان می‌دهد قرآن فقط به جنبه فصاحت و بلاغت مبارزه‌طلبی نکرده است. بر اساس سیر ترتیبی، خداوند برای اولین بار در سوره قصص با هدایتگری قرآن تحدی کرده است (جواهری، ۱۳۹۸ش(ب)، ص ۲۶۷): «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ» (قصص: ۴۹).

قرآن کتاب هدایت است (بقره: ۹؛ اسراء: ۹ و...) ولی هدایتگری آن مقید و منحصر به کل قرآن یا سوره کامل نیست. برخی شواهد تاریخی نشان می‌دهد تعدادی از مسلمانان صدر اسلام با شنیدن بخش‌هایی از یک سوره به اسلام گرویده و هدایت را پذیرفته اند، اسلام آوردن خلیفه دوم با شنیدن آیات آغازین سوره طه (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۹ و ۲۹۰)؛ تثبیت ایمان در قلب عثمان بن مظعون با شنیدن آیه ۹۰ سوره نحل (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۵۸۷) و برخی از حکایات بیانگر اعجاز تأثیری گذاری قرآن کریم در کتاب‌هایی مانند قتلی القرآن ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۹ ق، ص ۵۱ - ۹۷؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹ش، ص ۷ - ۲۹) شواهدی هستند که نشان می‌دهند هدایتگری قرآن می‌تواند با بخش‌هایی از یک سوره نیز اتفاق بیفتد.

ناگفته نماند هدایتگری قرآن در آیات متعددی آمده است، گاهی کتاب و قرآن هدایت‌بخش معرفی شده (بقره: ۲؛ اعراف: ۵۲؛ نحل: ۶۴ و ۸۹؛ لقمان: ۲ و ۳؛ مائده: ۱۵ و ۱۶؛ اسراء: ۹؛ نمل: ۹۲) و گاهی از هدایتگری مطلق وحی سخن به میان آمده است (اعراف: ۲۰۳؛ یونس: ۵۷) گاهی نیز داستان پیشینیان هدایتگر است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف: ۱۱۱)، بر این اساس هدایت با بخشی از قرآن که داستان پیشینیان را ذکر کرده است می‌تواند تحقق یابد.



۳-۷. فقدان معیار مشخص برای تعیین تعداد آیات یک سوره

تعداد آیات در سوره‌های قرآن با دستور خداوند مشخص شده و این امر توقیفی است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۱۴)؛ ولی ملاکی برای تعیین تعداد آیات سوره‌های معارض وجود ندارد. لذا نمی‌توان برای کسی که مثلاً در مقابل ۱۲ آیه سوره تحریم، معارضی در ۷ آیه می‌آورد بر تعداد آیات اشکال گرفت (جواهری، ۱۳۹۸ش (ب)، ص ۳۰۰).

ملاک در معارضه باید مشخص باشد. آنچه در همه سوره‌های قرآن (اعم از کوچک یا بزرگ) یکسان است وجود حداقل یک واحد مستقل نزول است که موضوع منسجمی داشته و در باره آن بحث می‌کند. این واحد مستقل ملاک روشنی است که کمترین میزان محتوای یک سوره را نشان می‌دهد که می‌تواند مورد تحدی واقع شود. شناخت این واحد موضوعی مستقل نیز بر اساس تعبیر «وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ» در آیه ۲۳ سوره بقره به عهده گواهان گذاشته شده است که ابتدا اصل متن معارض را بپذیرند آنگاه به ارزیابی برتری یکی از متون بپردازند. نمونه‌های تاریخی نیز بر این مطلب صحه می‌گذارد؛ مثلاً نصیرالدین ظافر در معارضه با ۷ آیه سوره حمد، سوره‌ای کوتاه‌تر حداکثر در ۵ آیه آورده است (خویی، بی‌تا، ص ۹۶). شاید به همین دلیل باشد که برخی از علما در کمترین میزان تحدی، به تعیین تعداد کلمات پرداخته و گفته‌اند کمترین میزان تحدی قرآن آوردن متنی به اندازه کوچک‌ترین سوره قرآن است (باقلانی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۲)؛ بنابراین اگر مخالفان نتوانند متنی به اندازه کوچک‌ترین سوره قرآن بیاورند به‌طریق‌اولی نمی‌توانند با آیات بزرگی مانند آیه دین معارضه کنند که از جهت کمیت چندین برابر سوره کوثر است (جواهری، ۱۳۹۵ش، صص ۱۲۶-۱۳۰). به بیان دیگر غرض از تحدی، اثبات عجز دیگران از آوردن ماندی برای قرآن است. چه بخشی از قرآن باشد و چه سوره مجزایی از آن؛ لذا تحدی بر نوع قرآن سوره گرفته است و نه بر مقدار آن (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، صص ۱۸۶۱ و ۱۸۶۲). اگر نوعیت در تحدی مدنظر باشد تحدید آن به یک سوره وجهی نداشته و می‌تواند بخش‌هایی از سوره‌های بزرگ (که با این غرض همراهی می‌کنند و معارضان از آوردن آنها عاجز هستند) شامل تحدی باشند.

نتایج تحقیق

۱. قرآن کریم در آیات مختلف با سطوح متفاوتی تحدی کرده است (کل قرآن، ده سوره، یک سوره). دو دیدگاه اصلی در تعیین کمینه تحدی وجود دارد: دیدگاه مشهور که حداقل تحدی را به سوره کامل (بین دو بسمله)

منحصر می‌دانند در مقابل این گروه تعدادی معدود هستند که معتقدند مبارزه‌طلبی قرآن در کمتر از یک سوره نیز تحقق می‌یابد.

۲. دیدگاه مشهور به ظاهر واژه «سوره» در آیات تحدی استناد می‌کنند. تفکیک «سوره‌های قرآن» از صدر اسلام و دعوت آیات ۳۸ سوره یونس و ۲۳ سوره بقره به آوردن همانندی مانند یکی از سوره‌های قرآن کریم، باعث تقویت این دیدگاه شده است. در این دیدگاه شواهد تاریخی از معارضات عصر نزول ارائه می‌شود، پشتیبانی اکثریت علما در طول تاریخ و لزوم داشتن معیار مشخص برای تحدی نیز از نقاط قوت این دیدگاه است.

۳. اقلیت ضمن مناقشه در ادله فوق، با تحلیل کاربرد کلمه «سوره» در قرآن، بر این باورند که این واژه بر کمتر از یک سوره نیز صدق می‌کند و شواهد از مطالب معارضان ذکر می‌کنند که نشان می‌دهد مبارزان میدان مبارزه با قرآن در مقابل بخشی از آیات یک سوره نیز عاجز مانده‌اند.

۴. معنای کلمه «حدیث» در آیه ۳۳ سوره طور (که به آوردن «حدیثی» مانند قرآن تحدی کرده است) در کنار مصداق قرآن در آیه دیگر تحدی (اسراء: ۸۸)، دلیل صدق کمینه تحدی به آیاتی است که محتوای کاملی دارند هر چند بخشی از یک سوره را شامل شوند. اعجاز تاریخی و هدایتگری قرآن که در کمتر از یک سوره تحقق می‌یابد ادله دیگری هستند که نشان می‌دهد کمینه تحدی می‌تواند در کمتر از یک سوره اصطلاحی معنا یابد. از سوی دیگر مبارزه‌طلبی قرآن به عدم اختلاف و نزول تدریجی آیات، شواهدی دیگر بر تأیید دیدگاه کمینه خواهند بود.

۵. بررسی و ارزیابی ادله طرفین نشان می‌دهد طرف‌داران نظریه کمینه تحدی قرآن به کمتر از یک سوره، دقت بیشتری در بررسی معانی واژگان و کاربرد آنها به‌ویژه در قرآن داشته و شواهد دیگری بر صحت ادعای خود اقامه کرده‌اند؛ لذا می‌توان گفت حداقل میزان تحدی، به اندازه یک واحد نزول است و آیاتی را شامل می‌شود که در باره یک موضوع خاص نازل شده‌اند. این میزان در سوره‌های کوچک، کل یک سوره را در بر می‌گیرد؛ ولی در سوره‌های بزرگ می‌تواند بخش‌هایی از یک سوره را نیز شامل شود. به بیان دیگر، آوردن بخش‌هایی از سوره‌های بزرگ که در آیات متوالی و منسجم به موضوع خاصی پرداخته‌اند برای معارضان قرآن مقدور نیست و قرآن به این فرازهای مستقل که غرض خاصی را دنبال می‌کنند تحدی کرده است.



کتابنامه

قرآن کریم

- ابراهیمی محمدیه، زهرا؛ ایازی، سید محمد علی؛ نکونام، جعفر (۱۳۹۹ش)، «اعجاز تأثیری قرآن با تأکید بر واکاوی «قتلی القرآن» ثعلبی»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، شماره ۴۱، صص ۷-۳۰.
- ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴ق)، *تفسیر ابن ابی زمنین*، بیروت: دار الکتب العلمیه / منشورات محمد علی بیضون.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان.
- ابن درید، محمد بن حسن (بی تا)، *جمهره اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، *تفسیر ابن عربی: تأویلات عبد الرزاق*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن عرفه، محمد بن محمد (۲۰۰۸م)، *تفسیر ابن عرفه*، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمد علی بیضون.
- ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایه و النهایه*، بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمد علی بیضون.
- ابن هشام، عبد الملك بن هشام (بی تا)، *السیره النبویه*، بیروت: دار المعرفه.
- ابو عبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق)، *مجاز القرآن*، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ازهری، محمد بن احمد (بی تا)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- باقلانی، محمد بن طیب (۱۴۲۱ق)، *اعجاز القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق)، *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمد علی بیضون.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *جمل من انساب الأشراف*، بیروت: دار الفکر.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۳ش)، *همگام با وحی: تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)*، قم: تمهید.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبی*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۹ق)، *قتلی القرآن*، ریاض: مکتبه العبیکان.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰ق)، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، عمان: دار الفکر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ش)، *قرآن در قرآن*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴ش)، *حقیقت و تأثیر اعجاز*، قم: اسراء.
- جواهری، سید محمد حسن (۱۳۹۵ش)، واکاوی ملاک تحدی در قرآن و نقد منطق تنزلی، *پژوهش های قرآنی*، شماره ۷۹، صص ۱۱۰-۱۳۵.

جواهری، سید محمد حسن (۱۳۹۸ش، الف)، *اعجاز بیانی و تأثیری قرآن کریم*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جواهری، سید محمد حسن (۱۳۹۸ش، ب)، *اعجاز و تحدی: پاسخ به شبهات*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق)، *تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر*، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمد علی بیضون.

خلیل، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: هجرت.

خویی، سید ابو القاسم (بی تا)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق)، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمد علی بیضون.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، بیروت: دار الکتب العربی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.

رامیار، محمود (۱۳۷۹ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: امیر کبیر.

رضوانی، روح الله (۱۳۹۱ش)، *مبانی کلامی اعجاز قرآن*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دار المعرفه.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار الکتب العربی.

سلامه، محمد علی (۲۰۰۲م)، *منهج الفرقان فی علوم القرآن*، قاهره: دار نهضة مصر.

سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ق)، *بیان السعاده فی مقامات العبادۀ*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، بیروت: دار الفکر.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، *الدر المثور فی التفسیر بالماثور*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، *الایقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربی.

شاکر، محمد کاظم (۱۳۹۹ش)، *رویکردی نو به اعجاز قرآن کریم*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

شریفی نسب، محمد رضا و دیگران (۱۴۰۲ش)، *مفهوم شناسی واژه «سوره» در آیات قرآن کریم از دیدگاه مفسران، کتاب قیم*، شماره ۲۸، صفحه ۲۳۳ - ۲۵۰.

شنقیطی، محمد امین (۱۴۲۷ق)، *أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.



- شیخ زاده، محمد بن مصطفی (۱۴۱۹ق)، *حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی*، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمد علی بیضون.
- شیخ علوان، نعمه الله بن محمود (۱۹۹۹ق)، *الفواتح الإلهیه و المفاتيح الغیبیه*، قاهره: دار رکابی للنشر.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (بی تا)، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الکتاب.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم: فرهنگ اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق)، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: مکتبه محمد الصادقی الطهرانی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸ م)، *التفسیر الکبیر*، اربد: دار الکتاب الثقافی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم و الملوک*، بیروت: دار التراث.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فانی اصفهانی، علی (۱۴۱۱ق)، *آراء حول القرآن*، بیروت: دار الهادی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قربانخانی، امید؛ شریفی نسب، حامد؛ طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۸ش)، مفهوم شناسی واژه «حدیث» و «احادیث» در قرآن کریم، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، شماره ۴۴، صص ۱۳۷-۱۶۳.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۹ق)، *الخراج و الجرائع*، قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
- کاشفی، حسین بن علی (بی تا)، *تفسیر حسینی: المواهر العلیه*، سراوان: کتابفروشی نور.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محبی الحسین.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲ش)، *دایره المعارف قرآن کریم*، قم: بوستان کتاب قم.
- مسلم، مصطفی (۱۴۲۶ق)، *مباحث فی إعجاز القرآن*، دمشق: دارالقلم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۵ش)، *قرآن شناسی*، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکی بن حموش (۱۴۲۹ق)، *الهدایه إلى بلوغ النهایه*، شارجه: جامعه الشارقه.

میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری*، تهران: امیر کبیر.

نصیری، علی (۱۳۷۵ش)، *مرز تحدی، اندیشه حوزه*، شماره ۵، صص ۱۹-۴۰.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۸۷ش)، *چند نکته در باب تواتر، تحدی و اعجاز قرآن*، به کوشش عبدالحسین حائری، *نشریه سفینه*، شماره ۲۱، صص ۱۶۳-۱۷۰.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق)، *اسباب نزول القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمد علی بیضون.

وحید شعبان، مروان (۱۴۲۷ق)، *الإعجاز القرآنی فی ضوء الاكتشاف العلمی الحديث*، بیروت: دار المعرفة.

هیتو، محمدحسن (۱۴۲۱ق)، *المعجزة القرآنیة الإعجاز العلمی و الغیبی*، بیروت: مؤسسة الرسالة.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

- Abū 'Ubayda, Ma'mar ibn Muthannā (1961). *Majāz al-Qur'ān*. Cairo: Maktabat al-Khānjī. (In Arabic)
- Azhārī, Moḥammad ibn Aḥmad (n.d.). *Tahdhīb al-lughā*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Baghawī, al-Ḥusayn ibn Mas'ūd (2000). *Ma'ālim al-tanzīl*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Bahjatpūr, 'Abd al-Karīm (2014). *Hamgām bā wahy: tafsīr-i tanzīlī*. Qom: Tamhīd. (In Persian)
- Balādhurī, Aḥmad ibn Yaḥyā (1996). *Jumal min ansāb al-ashrāf*. Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Bāqillānī, Moḥammad ibn al-Ṭayyib (2000). *I'jāz al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (In Arabic)
- Biqā'ī, Ibrāhīm ibn 'Umar (2006). *Naẓm al-durar fī tanāsub al-āyāt wa-l-suwar*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Dīnawārī, 'Abdallāh ibn Moḥammad (2003). *Al-Wādeḥ fī tafsīr al-Qur'ān al-karīm*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Ebrāhīmī Moḥammadīya, Zahrā; Āyāzī, Seyyed Moḥammad 'Alī; Nekūnām, Ja'far (2020). "E'jāz-e ta'thīrī-ye Qur'ān bā ta'kīd bar vākāvī-ye 'Qatlā al-Qur'an-e Tha'labī," *Pizhūhishnāmah-i Ma'ārif-i Qur'ānī*, No. 41, pp. 7-30. (In Persian)
- Fakhr al-Rāzī, Moḥammad ibn 'Omar (2000). *Maḥātīḥ al-ghayb*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Fānī Eṣfahānī, 'Alī (1991). *Ārā' ḥawl al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Hādī. (In Arabic)
- Hītū, Moḥammad Ḥasan (2000). *Al-Mo'jeza al-Qur'āniya al-i'jāz al-'elmī wa al-ghaybī*. Beirut: Mo'assasat al-Resāla. (In Arabic)
- Ibn Abī Zamanīn, Moḥammad ibn 'Abd Allāh (2003). *Tafsīr Ibn Abī Zamanīn*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Ibn al-'Arabī, Moḥammad ibn 'Alī (2001). *Tafsīr Ibn al-'Arabī: Ta'wīlāt 'Abd al-Razzāq*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Ibn 'Arafa, Moḥammad ibn Moḥammad (2008). *Tafsīr Ibn 'Arafa*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Ibn 'Āshūr, Moḥammad ibn Ṭāhir (2000). *Al-Taḥrīr wa-l-tanwīr al-ma'rūf bi-Tafsīr Ibn 'Āshūr*. Beirut: Mu'assasat al-Tārikh al-'Arabī. (In Arabic)

- Ibn Bābawayh, Moḥammad ibn 'Alī (1958). *Uyūn Akhbār al-Riḍā 'alayhi al-salām*. Tehran: Nashr-i Jahān. (In Arabic)
- Ibn Dorayd, Moḥammad ibn al-Ḥasan (n.d.). *Jamharat al-Lughā*. Beirut: Dār al-'Ilm lil-Malāyīn. (In Arabic)
- Ibn Fāris, Aḥmad (n.d.). *Maqāyīs al-lughā*. Qom: Maktab al-A'lām al-Islāmī. (In Arabic)
- Ibn Hishām, 'Abd al-Malik (n.d.). *Al-Sīra al-nabawiyya*. Beirut: Dār al-Ma'rifa. (In Arabic)
- Ibn Kathīr, Ismā'īl ibn 'Umar (1987). *Al-Bidāya wa-l-nihāya*. Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn Kathīr, Ismā'īl ibn 'Umar (1998). *Tafsīr al-Qur'ān al-'azīm*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Javādī Āmolī, 'Abdollah (2002). *Qur'ān dar Qur'ān*. Qom: Esrā'. (In Persian)
- Javādī Āmolī, 'Abdollah (2015). *Ḥaqīqat va ta'thīr-e e'jāz*. Qom: Esrā'. (In Persian)
- Jawāherī, Seyyed Moḥammad Ḥasan (2016). "Vākāwī-ye molak-e taḥaddī dar Qur'ān va naqd-e manṭeq-e tanzīlī," *Pajūheshhā-ye Qur'ānī*, No. 79, pp. 110-135. (In Persian)
- Jawāherī, Seyyed Moḥammad Ḥasan (2019). *E'jāz va taḥaddī: pāsokh be shobohāt*. Tehran: Sāzmān-e Enteshārāt-e Pajūheshgāh-e Farhang va Andīshe-ye Eslāmī. (In Persian)
- Jawāherī, Seyyed Moḥammad Ḥasan (2019). *E'jāz-e bayānī va ta'thīrī-ye Qur'ān-e karīm*. Tehran: Sāzmān-e Enteshārāt-e Pajūheshgāh-e Farhang va Andīshe-ye Eslāmī. (In Persian)
- Jorjānī, 'Abd al-Qāhir ibn 'Abd al-Raḥmān (2009). *Doroj al-dorar fī tafsīr al-Qur'ān al-'azīm*. Amman: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Kāshefī, Ḥosayn ibn 'Alī (n.d.). *Al-Mawāheb al-'aliya*. Sarāwān: Ketābforūshī-ye Nūr. (In Persian)
- Khalīl ibn Aḥmad (1989). *Kitāb al-'ayn*. Qom: Hijra. (In Arabic)
- Khaṭīb al-Sharbīnī, Moḥammad ibn Aḥmad (2004). *Al-Sirāj al-munīr*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Khū'ī, Abū al-Qāsem (n.d.). *Al-Bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Mo'assasat Ihya' Āthār al-Emām al-Khū'ī. (In Arabic)
- Makārem Shīrāzī, Nāser, et al. (1992). *Tafsīr-e nemūneh*. Tehran: Dār al-Kotob al-Eslāmīya. (In Persian)
- Makkī ibn Ḥamūsh (2008). *Al-Hedāya ilā bolūgh al-nihāya*. Sharjah: Jāme'at al-Shāreqa. (In Arabic)
- Ma'refat, Moḥammad Hādī (1994). *Al-Tamhīd fī 'ulūm al-Qur'ān*. Qom: Mo'assasat al-Nashr al-Islāmī. (In Arabic)
- Markaz-e Farhang va Ma'āref-e Qur'ān (2003). *Dā'erat al-ma'āref-e Qur'ān-e karīm*. Qom: Būstān-e Ketāb-e Qom. (In Persian)
- Mešbāḥ Yazdī, Moḥammad Taqī (2006). *Qur'ān-shenāsī*. Qom: Markaz-e Enteshārāt-e Mo'assese-ye Āmūzeshī va Pajūheshī-ye Emām Khomeinī. (In Persian)
- Meybodī, Aḥmad ibn Moḥammad (1992). *Kashf al-asrār wa 'oddāt al-abrār*. Tehran: Amīr Kabīr. (In Persian)
- Modarresī, Moḥammad Taqī (1998). *Min hodā al-Qur'ān*. Tehran: Dār Moḥibbī al-Ḥosayn. (In Arabic)
- Moqātil ibn Solaymān (2002). *Tafsīr Moqātil ibn Solaymān*. Beirut: Dār Ihya' al-Torāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Moslem, Moṣṭafā (2005). *Mabāḥeth fī i'jāz al-Qur'ān*. Damascus: Dār al-Qalam. (In Arabic)
- Naṣīrī, 'Alī (1996). "Marz-e taḥaddī," *Andīshe-ye Ḥawze*, No. 5, pp. 19-40. (In Persian)

- Nūrī, Hosayn ibn Moḥammad Taqī (2008). "Chand nokte dar bāb-e tawātur, taḥaddī va e'jāz-e Qur'ān," *Nashriye-ye Safīne*, No. 21, pp. 163-170. (In Persian)
- Qorbānkhānī, Omīd; Sharīfī Nāsab, Hāmed; Tayyeb Hosaynī, Seyyed Maḥmūd (2019). "Mafhūm-shenāsī-ye vāḡe-ye 'ḥadīth' va 'aḥādīth' dar Qur'ān-e karīm," *Tahqīqāt-e 'Ulūm-e Qur'ān va Ḥadīth*, No. 44, pp. 137-163. (In Persian)
- Qoṭb al-Dīn al-Rāwandī, Sa'īd ibn Hibatollāh (1989). *Al-Kharā'ej wa al-jarā'eḥ*. Qom: Mo'assasat Emām Mahdī. (In Arabic)
- Qoṭb, Seyyed (2004). *Fī ṡelāl al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Shorūq. (In Arabic)
- Rāghib al-Eṣfahānī, al-Hosayn ibn Moḥammad (1992). *Mofradāt alfāz al-Qur'ān*. Beirut-Damascus: Dār al-Qalam - al-Dār al-Shāmīya. (In Arabic)
- Rāmyār, Maḥmūd (2000). *Tārīkh-e Qur'ān*. Tehran: Amīr Kabīr. (In Persian)
- Reẓwānī, Rūḥollāh (2012). *Mabānī-ye kalāmī-ye e'jāz-e Qur'ān*. Qom: Markaz-e Beyn al-Melalī-ye Tarjoma va Nashr al-Moṣṭafā. (In Persian)
- Ṣādeqī Tehrānī, Moḥammad (1986). *Al-Forqān fī tafsīr al-Qur'ān bi-l-Qur'ān wa al-sonna*. Qom: Farhang-e Eslāmī. (In Arabic)
- Ṣādeqī Tehrānī, Moḥammad (1998). *Al-Balāgh fī tafsīr al-Qur'ān bi-l-Qur'ān*. Qom: Maktabat Moḥammad al-Ṣādeqī al-Tehrānī. (In Arabic)
- Ṣāḥeb ibn 'Abbād, Esmā'īl (n.d.). *Al-Moḥīṭ fī al-lughā*. Beirut: 'Ālam al-Ketāb. (In Arabic)
- Salāma, Moḥammad 'Alī (2002). *Manhaj al-forqān fī 'ulūm al-Qur'ān*. Cairo: Dār Nahḍat Miṣr. (In Arabic)
- Samarqandī, Naṣr ibn Moḥammad (1995). *Baḥr al-'ulūm*. Beirut: Dār al-Fekr. (In Arabic)
- Shāker, Moḥammad Kāẓem (2020). *Rūykardī-ye now be e'jāz-e Qur'ān-e karīm*. Tehran: Enteshārāt-e Dāneshgāh-e 'Allāma Ṭabāṭabā'ī. (In Persian)
- Sharīfī Nāsab, Moḥammad Riḍā, et al. (2021). "Mafhūm-shenāsī-ye vāḡe-ye 'sūra' dar āyāt-e Qur'ān-e karīm az dīdgāh-e mofasserān," *Ketāb-e Qayyem*, No. 28, pp. 233-250. (In Persian)
- Shaykh 'Alwān, Ne'matollāh ibn Maḥmūd (1999). *Al-Fawāteḥ al-elāhīya wa al-mafāteḥ al-ghaybīya*. Cairo: Dār Rakābī lil-Nashr. (In Arabic)
- Shaykh Zāda, Moḥammad ibn Moṣṭafā (1998). *Hāshiyat Moḥyī al-Dīn Shaykh Zāda 'alā Tafsīr al-Qāḍī al-Bayḍāwī*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Shenqītī, Moḥammad Amīn (2006). *Aḍwā' al-bayān fī ṡdāḥ al-Qur'ān bi-l-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Soltān 'Alī Shāh, Soltān Moḥammad ibn Ḥaydar (1988). *Bayān al-sa'āda fī maqāmāt al-'ebāda*. Beirut: Mo'assasat al-'Alamī lil-Maṭbū'āt. (In Arabic)
- Soyūṭī, 'Abd al-Raḥmān ibn Abī Bakr (1984). *Al-Dorr al-manthūr fī al-tafsīr bi-l-ma'thūr*. Qom: Ketābkhāna-ye 'Omūmī-ye Ḥaḍrat Āyatollāh al-'Ozmā Mar'ashī Najafī. (In Arabic)
- Soyūṭī, 'Abd al-Raḥmān ibn Abī Bakr (2000). *Al-Itqān fī 'ulūm al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabī. (In Arabic)
- Ṭabarānī, Solaymān ibn Aḥmad (2008). *Al-Tafsīr al-kabīr*. Irbid: Dār al-Ketāb al-Thaqāfī. (In Arabic)
- Ṭabarī, Moḥammad ibn Jarīr (1967). *Tārīkh al-omam wa al-molūk*. Beirut: Dār al-Torāth. (In Arabic)
- Ṭabarī, Moḥammad ibn Jarīr (1992). *Jāme' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Ma'rifa. (In Arabic)

- Ṭabāṭabā'ī, Moḥammad Ḥosayn (1970). *Al-Mizān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Mo'assasat al-A'lamī lil-Maṭbū'āt. (In Arabic)
- Ṭabresī, Aḥmad ibn 'Alī (1983). *Al-Eḥtejāj 'alā ahl al-lejāj*. Mashhad: Nashr-e Mortaḍā. (In Arabic)
- Ṭabresī, Faḍl ibn al-Ḥasan (1993). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Nāṣer Khosrow. (In Arabic)
- Tha'labī, Aḥmad ibn Moḥammad (2002). *Al-Kashf wa-l-bayān al-ma'rūf bi-Tafsīr al-Tha'labī*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Tha'labī, Aḥmad ibn Moḥammad (2008). *Qtlā al-Qur'ān*. Riyadh: Maktabat al-'Ubaykān. (In Arabic)
- Ṭūsī, Moḥammad ibn al-Ḥasan (n.d.). *Al-Tebyān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Torāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Waḥīd Sha'bān, Marwān (2006). *Al-I'jāz al-Qur'ānī fī ḍaw' al-ekteshāf al-'elmī al-ḥadīth*. Beirut: Dār al-Ma'rifa. (In Arabic)
- Wāḥidī, 'Alī ibn Aḥmad (1991). *Asbāb nozūl al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya - Manshūrāt Moḥammad 'Alī Bayḍūn. (In Arabic)
- Zahabī, Moḥammad ibn Aḥmad (1992). *Tārīkh al-Islām wa wafayāt al-mashāhīr wa-l-a'lām*. Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabī. (In Arabic)
- Zamakhsharī, Maḥmūd ibn 'Omar (1987). *Al-Kashshāf 'an ḥaqā'eq ghawāmeḍ al-tanzīl*. Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabī. (In Arabic)
- Zarkashī, Moḥammad ibn 'Abdollāh (1990). *Al-Borhān fī 'ulūm al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Ma'rifa. (In Arabic)